

مجله‌ی سیاست دفاعی

سال بیست و سوم، شماره‌ی ۹۰، بهار ۱۳۹۴

بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر تروریسم (رویکرد ترکیبی)

مطالعه‌ی موردی: داعش

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۰۳	سلیمان احمدوند ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۱	ایمان احمدوند ^۲
صفحات مقاله: ۱۷۴ - ۱۴۱	

چکیده:

تروریسم پدیده‌ای بغرنج است، حجم متراکمی از خشونت مرگبار که آثار ویرانگر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی آن بسیاری از کشورها را درنوردیده است. تروریسم افزون بر ماهیت پیچیده دارای گونه‌های متنوعی است و هر بار به اقتضای اهداف تروریست‌ها و شرایط حاکم بر جامعه‌ی هدف، شکلی به خود می‌گیرد؛ از کشتار دسته‌جمعی گرفته تا گروگان‌گیری، هواپیماریایی، انفجار بمب و غیره. این‌که پدیده‌ی تروریسم به‌عنوان محرک تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جایگزین پدیده‌های سیاسی شناخته‌شده‌ای مثل انقلاب، جنگ، کودتا و شورش و... شده است، مسأله‌ای قابل تأمل است. در این مقاله پس از ارائه‌ی تعاریفی از ترور و تروریسم و بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر آن در پرتو رویکردی ترکیبی به بررسی اعمال تروریستی گروه داعش (دولت اسلامی عراق و شام)، پرداخته و تلاش می‌شود تا از نقش و میزان اهمیت این رهیافت‌ها در تبیین و بازشناسی تروریسم رونمایی شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که داعش با حرکت در شکاف فرقه‌ای- عقیدتی حاکم بر عراق، اوضاع نابسامان سوریه و مداخله‌ی جنگ‌افروزانه‌ی برخی از دولت‌های منطقه، آمریکا و متحدانش، با پافشاری بر مواضع سلفی- تکفیری خود، در پی برهم زدن معادلات قدرت و احیای خلافت اسلامی است؛ مسأله‌ای که رهیافت‌های پژوهش حاضر (طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی، سیاسی و منطقی- عقلانی)، هر یک به سهم خود متکفل تبیین آنند.

* * * * *

۱ - دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی؛ دانشگاه یاسوج.

۲ - دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد علوم سیاسی؛ دانشگاه تهران.

واژگان کلیدی

ترور، تروریسم، رهپافت، داعش.

مقدمه

ترور از پایدارترین اشکال خشونت و در شمار کهن‌ترین پدیده‌های تاریخ بشر است و تبیین آن هم‌چون دیگر پدیده‌های اجتماعی تنها از طریق قرار دادن و نشان دادن آن در کنار دیگر پدیده‌ها و تحلیل و تعیین نسبت آن با مؤلفه‌های کلانی چون شکل حکومت، قدرت، مذهب و ساختار اقتصادی و سیاسی و فرهنگی امکان‌پذیر است. پایایی تاریخی این پدیده، گواه پایایی تاریخی عواملی است که به تولید و بازتولید آن کمک کرده‌اند. عواملی از قبیل حکومت استبدادی، شکافت طبقاتی که عمدتاً به شکل اختلاف میان فقیر و غنی بازتاب می‌یابد، سرکوب اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی، نهادینگی فرهنگ خشونت و توانش فرهنگی جامعه در پروردن خشونت به مثابه بنیان شکل‌گیری ترور و روایی اقدامات تروریستی را در شمار عواملی می‌توان دانست که به محقق در تبیین این پدیده یاری می‌رسانند.

پیوستار تاریخی ترور، نشانگر تحولات عدیده‌ای است که این پدیده از سر گذرانده است. در یک سو، طیف قدیمی‌ترین اشکال و در سوی دیگر، مدرن‌ترین نمونه‌ها. روزگاری سازمان تروریستی فداییان اسماعیلی و امروز سازمان‌های تروریستی مختلف با خاستگاه‌ها و زمینه‌های اجتماعی متنوع. آنچه بی‌تغییر مانده است، «بر جا ماندن قربانیان انسانی» است و بیان این موضوع که در گونه‌های قدیمی ترور و از آن جمله اقدامات فداییان اسماعیلی شمار قربانیان معدود و محدود بود و منحصر به دشمنان ذی‌نفع، اما در نمونه‌های مدرن، ازدیاد شمار جان‌باختگان، خود بخشی از پروژه‌ی تروریسم است.

بیان مسأله

ترور، دیگر چون گذشته منحصر به گروه، فرقه و یا جریانی محدود در درون مرزهای یک کشور نیست، بلکه همراه دیگر پدیده‌ها و به موازات تحقق دهکده‌ی جهانی توسعه‌یافته، پا از مرزهای مألوف گذشته فراتر رفته و به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهان معاصر، بدل

گشته است. ترور، یکی از قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین روش‌های ابراز خشونت عریان در طول تاریخ است، در اغلب موارد یک اقلیت برای اکثریت تصمیم می‌گیرد و برای نیل به اهداف خود توسط اقدامات تروریستی را در دستور کار قرار می‌دهد.

بر اساس آمارها، ۸۲٪ کشته‌شدگان حملات تروریستی در پنج کشور ذیل هستند: عراق، افغانستان، پاکستان، نیجریه و سوریه. از سال ۲۰۰۰ تاکنون تعداد انسان‌های قربانی فعالیت‌های تروریستی در سطح جهان، ۵ برابر افزایش داشته است. بر این اساس، از ۳۳۶۱ مورد در سال ۲۰۰۰ به ۱۷۹۵۸ در سال ۲۰۱۴ افزایش داشته است. افزایش چشم‌گیر آمار کشته‌شدگان در اثر فعالیت‌های تروریستی، با آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، همزمان بوده است. اکنون تهدید فعالیت‌های تروریستی یک تهدید واقعی و یکی از مسائل مهم امنیت ملی کشورهای جهان است. بیش‌ترین آمار مرگ و میر حملات تروریستی (۶۶ درصد در سال ۲۰۱۳) توسط چهار سازمان تروریستی داعش، بوکو حرام، طالبان و القاعده و شاخه‌های وابسته به آن، انجام شده است. (باشگاه خبرنگاران: ۱۳۹۳)

تروریسم در افغانستان، با ۱۰٪ افزایش در حملات تروریستی و ۱۳٪ افزایش مرگ و میر در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۱۲ در مکان دوم قرار دارد. در افغانستان هفت گروه تروریستی مختلف فعال هستند که طالبان، مسئول بیش‌تر حملات و تلفات افغان‌هاست. طالبان هم‌چنان یکی از گروه‌های تروریستی اصلی در جهان است. طالبان در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، مسئول ۷۵ درصد از تمامی مرگ و میرهای تروریستی در افغانستان بوده است. اقدامات تروریستی در سال ۲۰۱۳ در بیش از ۴۴۰ شهر مختلف افغانستان به ثبت رسیده است. تروریسم در پاکستان به شدت تحت تأثیر نزدیکی مرزی آن با افغانستان است؛ مسئول یک چهارم تمام مرگ و میرها و ۴۹ درصد از حملات، جنبش طالبان پاکستان (TTP)، طالبان پاکستانی است. گروه بوکو حرام مسئول فعالیت‌های تروریستی در نیجریه است. این گروه تروریستی در سال ۲۰۱۳ حداقل ۱۵۸۷ نفر را کشته است و مسئولیت نزدیک به ۹۰ درصد از تمامی اقدامات تروریستی در نیجریه را این گروه بر عهده گرفته است. بوکو حرام یکی از

گروه‌های تروریستی مرگبار در جهان، با متوسط نزدیک به هشت مورد مرگ در هر حمله تروریستی است. تروریسم از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳، در هند ۷۰ درصد افزایش داشته است، به طوری که میزان تلفات انسانی آن از ۲۳۸ به ۴۰۴ مورد افزایش داشت. تعداد حملات در سال ۲۰۱۳ نسبت به ۲۰۱۲، ۵۵ مورد بیش‌تر بوده است. با این حال، بیش‌تر حملات تروریستی در هند تلفات کم در پی داشته است. در سال ۲۰۱۳ حدود ۷۰ درصد از حملات غیرکشنده بودند. حملات تروریستی در هند توسط ۴۳ گروه تروریستی مختلف انجام می‌شود که می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد: اسلام‌گرایان افراطی، جدایی‌طلبان و کمونیست‌ها. (همان)



افزایش فعالیت‌های تروریستی در جهان، با حمله‌ی آمریکا به عراق همزمان شد. این اشغالگری به ایجاد یک خلأ قدرت بزرگ در کشور عراق منجر گردید که شرایط و اوضاع

نامن را به دنبال داشت. با وجود تشکیل دولت از طریق انتخابات سراسری باز هم خلأ قدرت منسجم، بی‌ثباتی را در این کشور دامن زد.

ده کشور آسیب‌پذیر در گزارش تروریسم جهانی ۲۰۱۴ همگی سال‌های متمادی از تروریسم آسیب دیده‌اند. هم‌اکنون این ده کشور اول، به استثنای سوریه، در ۱۵ سال گذشته، به صورت متوالی حملات تروریستی را تجربه کرده‌اند. پنج کشور اول در سال ۲۰۱۳، متأثر از حملات تروریستی، ۸۰ درصد از مجموع تلفات انسانی را داشته‌اند. اکثریت قریب به اتفاق مرگ ناشی از تروریسم در سال ۲۰۱۳ در عراق رخ داده است؛ به عبارتی دیگر، یعنی ۳۵ درصد از تمام مرگ و میرها. عراق در ده سال گذشته، ۹ سال تمام بیش‌ترین مرگ و میر انسانی تروریستی را در جهان داشته است. سوریه کشوری است که بیش‌ترین افزایش را داشته است (با مجموع ۲۷ مورد مرگ در سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰). از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، این کشور بیش‌ترین آمار افزایش تلفات انسانی را به خود اختصاص داده است. عراق هم‌چنان بیش‌ترین آسیب را از تروریسم در جهان دارد. حوادث تروریستی در عراق در سال ۲۰۱۳ افزایش چشم‌گیری داشته است، به طوری که تعداد تلفات انسانی از سال ۲۰۱۲، ۱۶۲٪ رشد داشته است. در کشور عراق، شش گروه تروریستی مسئول ۱/۶۷۰ مورد مرگ انسانی هستند؛ ۷۷٪ این حملات توسط داعش انجام شده است. داعش از زمان اعلام خلافت خیالی خود در سوریه در ۲۸ ژوئن تا امروز، ۱۸۷۸ نفر را اعدام کرده است. تروریست‌های داعش ۱۱۷۵ غیرنظامی را که در میان آنها چهار کودک و هشت زن وجود دارد، به شیوه‌های مختلف از جمله تیرباران و سربریدن در استان‌های دیرالزور، الرقه، الحسکه، حلب، حمص و حماه اعدام کرده‌اند. داعش ۸۱ نفر از اعضای گروه‌های مسلح و تروریستی را پس از اسارت کشته‌اند. هم‌چنین داعش ۱۲۰ نفر از اعضای خود را اعدام کرده است. آنها هم‌چنین ۵۰۲ نظامی وابسته به نظام سوریه را اعدام کرده‌اند. (شفقنا: ۱۳۹۱)

تاکنون دست‌کم ۵ هزار نفر از اهل تسنن در ۱۲ کشتار در عراق کشته و ده‌ها هزار نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند؛ و مهم‌ترین جنایات داعش را از اواسط ژوئن ۲۰۱۳ تا اواسط ژانویه‌ی

۲۰۱۴ به‌عنوان شش ماه اول و تا پایان جولای ۲۰۱۴ به‌عنوان نیم سال دوم به ثبت رساند، مشخص شد یک هزار و ۶۰۷ مورد اقدام تروریستی توسط گروه داعش در مناطق تحت حاکمیت این گروه (که همگی مناطق سنی‌نشین می‌باشند) به‌وقوع پیوسته است که ۵۸۸ مورد از آن علیه غیرنظامیان بوده و بیش‌تر قربانیان هم به شکل میدانی اعدام شده‌اند، از میان این قربانیان ۶۷ کودک و ۵۳ زن هم به چشم می‌خورند. (جنبش سایبری: ۱۳۹۳) هم‌اکنون تعداد تروریست‌های داعش که در عراق و سوریه فعالیت می‌کنند، به ۲۰ هزار تا ۳۱ هزار و پانصد نفر می‌رسد. (صدای افغانستان: ۱۳۹۳)

تعریف مفاهیم

ترور

ترور، اصطلاحاً به حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از دست‌زدن به خشونت و قتل و خونریزی از سوی یک گروه، حزب و یا دولت به‌منظور نیل به هدف‌های سیاسی، کسب و یا حفظ قدرت است... ترور شخصیت یا ترور روانی یعنی ترساندن و تهدید افراد از طریق هدف قراردادن روحیه، حس شهادت و اعتبار آنها. رژیم ترور به رژیم‌های گفته می‌شود که از طریق ایجاد وحشت، تهدید، حبس و کشتار مخافان خود حکومت می‌کنند. (نجفی، ۱۳۸۹: ۵۰۷)

در زبان فارسی برای ترور و تروریسم برابر نهاده‌ای به چشم نمی‌خورد. در لغت‌نامه‌ی دهخدا آمده است:

«ترور مأخوذ از فرانسه و به معنای قتل سیاسی به‌وسیله‌ی اسلحه است و در فارسی متداول شده است. تازیان معاصر ارباب را به‌جای ترور به‌کار می‌برند که به معنای خوف، خشونت و سخت‌گیری است. کلمه‌ی رهب و مشتقات آن چندین‌بار در آیات قرآن از جمله آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی انفال و آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی حشر در معنای خوف و ترس به‌کار رفته است و این کلمه در فرانسه به معنای وحشت و خوف آمده و حکومت ترور هم اصول حکومت انقلابی بود که پس از سقوط

ژیروندن‌ها (از ۳۱ ماه می ۱۷۹۳ تا ۱۷۹۴) در فرانسه مستقر گردید و اعدام‌های سیاسی فراوانی را به دنبال داشت. ترور کردن نیز به معنای قتل سیاسی با اسلحه است و تروریست به معنای کسی است که طرفدار اصول تشدد، حامی شدت‌عمل و ایجاد رعب و ترس می‌باشد. این کلمه در زبان فارسی به شخصی اطلاق می‌شود که با اسلحه مرتکب قتل سیاسی شود» (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵)

بر پایه‌ی بیش‌تر تعاریف ویژگی‌های ترور از این قرارند:

- (۱) هر اقدامی که به ایجاد ترس، وحشت، هراس، خوف و رعب در میان مردم یا مخالفان بینجامد، و این اقدام خشونت‌آمیز، زورمدارانه، غیرقانونی و هراس‌انگیز باشد؛
- (۲) این اقدام با هدف برانداختن حکومت، یا به‌منظور در دست گرفتن امور، یا به جهت تضعیف حاکمیت و یا با هدف تأثیر بر رفتار مخالفان صورت می‌گیرد؛
- (۳) این اقدامات با قتل پنهانی، ناگهانی و غافل‌گیرانه توأم است. در مجموع و به‌طور خلاصه، می‌توان گفت: ترور در لغت به معنای ترس، هراس، خوف و وحشت است و در اصطلاح سیاسی به معنای کشتن و از بین بردن مخالفان و ایجاد رعب و وحشت میان مردم می‌باشد. تروریست به عامل ترور، آدم‌کشی، و به‌طور کلی به کسی اطلاق می‌گردد که برای رسیدن به هدف خود، کسی را غافل‌گیرانه بکشد و یا ایجاد وحشت و هراس نماید. (شیرودی، ۱۳۸۲: ۱۵۹)

تروریسم

واژه‌ی تروریسم^۱ در فرهنگ لغات فرانسه نظام یا رژیم وحشت تعریف شده است، پس از انقلاب فرانسه ایماواژه با نوشتاری از ادموند برک در سال ۱۷۹۵ وارد انگلستان گردید و از آن به‌عنوان دشمن مردم و سنت یاد شد. گرچه این واژه در دروان انقلاب فرانسه به مرور زمان معنای گسترده‌تری یافت و در فرهنگ لغات در ردیف نظام وحشت و ترور تعریف شد.

1 - Terrorism

(شریفیان، ۱۳۸۵: ۱۱) مشکل ارائه‌ی تعریف مشترکی برای تروریسم همیشه وجود داشته و این ناشی از آن است که آن کس که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود، از نظر دیگری مبارز راه آزادی است. (صادقی، ۱۳۸۰: ۱۹۹)

واقعیت این است که تروریسم، به مثابه یک پدیده‌ی اجتماعی، همواره وجود داشته و در هر اجتماعی با آن به‌عنوان یک انحراف یا آسیب مبارزه شده است. در هر حال، نکته‌ی قابل توجه این است که پدیده‌ی تروریسم - چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی - در سالیان اخیر رشد چشم‌گیری داشته است. بهره‌گیری از وسایل و شیوه‌های نوین به‌وسیله‌ی گروه‌ها و جریان‌های تبهکار فراملیتی که عوارض و آثار تخریبی آن در کشورهای مختلف جهان، وسعت شگفتی داشته است، احساس شدید عدم امنیت را دست‌کم در بخش گسترده‌ای از جهان ایجاد کرده است. (تاجیک، ۱۳۸۸: ۱۶)

در لغت‌نامه‌ی روابط بین‌الملل ذیل کلمه‌ی تروریسم آمده است: وزارت امور خارجه‌ی آمریکا از سال ۱۹۸۳ تعریف مندرج در سند ۲۲ از قانون ایالات متحده، ماده‌ی ۲۶۵۶، بند «د» را به کار می‌برد، واژه‌ی تروریسم به معنای خشونت عمدی و با انگیزه‌ی سیاسی است که علیه اهداف عمومی، نظامی، سیاسی و اقتصادی توسط گروه‌های فراملی^۱ یا فروملی^۲ و یا عوامل پنهانی و معمولاً با قصد نفوذ در مخاطبان صورت می‌گیرد. (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۲۲)

از یک سو، گستره‌ی معنای تروریسم که طیف وسیعی از درگیری‌های جزئی بین فردی و اعتصابات کارگری گرفته تا نگرانی و ترس ناشی از موازنه‌ی وحشت را شامل گردیده است، این واژه را از انبوه معنا تقریباً بی‌معنا نموده است؛ به‌طوری‌که تقریباً هر نوع عمل خشونت‌آمیز و نه الزاماً خشونت سیاسی را القا می‌کند. از سوی دیگر، تروریسم یک معنای منفی است که همه از آن روی گردانند و هر گروه، فرد یا دولتی از آن دوری می‌جوید و در همان حال، دیگران و خصوصاً دشمنان خود را تروریست یا حامی تروریست خطاب می‌کنند. تشتت آرا

1 - Trans nationa

2 - Subnational

در زمینه‌ی چستی و کیستی تروریست به حدی است که بسیاری از صاحب‌نظران بعد از تلاش فراوان برای تعیین حدود و ثغور این مفهوم در نهایت اعتراف می‌کنند که هر کس برداشت خاص خود را از تروریسم دارد. بر این اساس، باید گفت که برای تعیین این‌که یک اقدام مشخص، تروریسم است یا نه، نیاز به قضاوت ارزشی درباره‌ی عواملان، شرایط و دلایل انجام آن دارد. (سمعی اصفهانی به نقل از هیگینز و ویلکینسون، ۱۳۹۰: ۷)

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی

- رهیافت‌های تبیین‌گر پدیده‌ی تروریسم کدامند و ویژگی هر یک چیست؟
- کدام رهیافت یا رهیافت‌ها در تبیین اقدامات تروریستی داعش کارا تر است؟

پرسش‌های فرعی

- (۱) فعالیت‌های تروریستی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- (۲) از بین رهیافت‌های مؤثر در تبیین پدیده‌ی تروریسم، کدام رهیافت در توضیح ابعاد و ماهیت آن توانا تر است.
- (۳) چه نسبتی میان خوانش گروه داعش از آموزه‌های اسلامی و گرایش آنان به تروریسم برقرار است؟

رهیافت‌ها^۱

بدیهی است که شناخت دقیق پدیده‌ها بدون توجه به ریشه‌ها و دلایلی که منجر به شکل‌گیری آنها گردیده است، امکان‌پذیر نمی‌باشد. بنا بر نظر کارشناسان، تروریسم نیز همانند دیگر پدیده‌ها دارای مبانی و ریشه‌های طبیعی، روانی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و سیاسی و یا ترکیبی از همه‌ی این عوامل می‌باشد.

1 - Approaches

تروریسم حاصل جمع تعارض و تقابل مدعیان قدرت است که برای کسب یا حفظ قدرت از این روش خشونت‌بار علیه رقیب بهره می‌گیرند. اگرچه جدال میان صاحبان قدرت و مدعیان آن ضرورتاً و صرفاً بر سر قدرت سیاسی نیست که دولت متولی آن است. جدال بر سر مسائل اقتصادی، جدال برای اثبات حقانیت و مشروعیت فرقه‌های دینی و حساسیت بر سر برتری قومی و نژادی همه‌ی مواردی هستند که تروریسم را به وجود می‌آورند. در سایه روشن توضیح و تعریف تروریسم دو نکته‌ی مهم پنهان است: نخست این‌که هر دولتی از دیدگاه منافع، سلیقه و ایدئولوژی خود به تروریسم می‌نگرد و تعریف خاصی از آن ارائه می‌دهد. از همین رو، گاه از تروریسم به دفاع مشروع تعبیر می‌شود. دوم این‌که سازمان ملل متحد و دیوان بین‌المللی کیفری طی سه دهه‌ی گذشته به دلیل اختلاف دیدگاه نتوانسته‌اند تعریف واحدی از این پدیده ارائه دهند.

خوانش انقادی رهیافت‌های موجود در تبیین تروریسم، افزون بر تعمیق شناخت، از پیچیدگی‌ها و سویه‌های ناپیدای این پدیده برمی‌گردد. مقوله‌ای که در بحث‌ها و پژوهش‌های جاری، چندان محل توجه نبوده است.

رهیافت طبیعی: خشونت‌گرایی^۱

بر اساس این رهیافت، میل به خشونت هم‌چون دیگر امیال آدمی انگیزه‌ای اساساً زیست‌شناختی و غریزی است، و انسان‌ها از آن به‌عنوان مکانیسمی در جهت نیل به خواسته‌های عمدتاً غریزی‌شان بهره می‌گیرند، بی‌آن‌که به عواقب وخیم و غیراخلاقی آن بیندیشند، خشونتی که خشونت دیگر را برمی‌انگیزد و انسان‌گرگ انسان می‌شود.

جهان، خشن است، نه تنها به‌خاطر سختی و برندگی و کوبندگی و توفندگی و زهرآگینی مادی آن، بلکه به‌خاطر آن‌که ما در آن تنها نیستیم. خشونت عنصری نسبتاً پایدار در موقعیت‌های انسانی است. هر موقعیتی می‌تواند خشن شود. کافی است که موقعیت به‌صورت تنگنایی تصور شود که برون‌رفت از آن مستلزم پس‌زدن کسی یا کسانی شود، آن‌گاه بعید نیست

1 - natural approach: violence

که هر ملاحظه‌ای کنار گذاشته شود، جز خواست خویش. ما انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستیم، یعنی با هم ارتباط برقرار می‌کنیم. با مورچه و زنبور و دیگر جانداران اجتماعی فرق داریم. آحاد آنها جایگاه و کارکردی مشخص دارند. ما در مقابل نامشخصیم، اما همه برای تشخیص می‌کوشیم. ما در جهان جای یکدیگر را تنگ می‌کنیم. کمبود، مشکل همیشگی جهان ما بوده است. انسان موجودی است همواره گرفتار کمبود. تاریخ انسان تاریخ کمبودهاست. کمبود، خود تاریخ دارد و ثابت نمانده است.

به عقیده‌ی نیکفرما هنوز در دوره‌ی کمبودهای اساسی هستیم. بیش‌تر آدمیان هنوز درگیر مشکل بقا، در شکل فیزیکی محض آن هستند، یعنی غذا و سرپناه مناسب ندارند. مشکل انسانی با رفع نیازهای اساسی‌اش برای بقا حل نمی‌شود. همه‌ی موجودات کامل هستند، به‌جز انسان که ناقص است. خشونت انسان با رفع کمبودهای زیستی‌اش رفع نمی‌شود. از این‌رو، خشونت انسان طبیعی نیست. انسان به شکلی غیرطبیعی خشن است. جانوران درنده، خشن نیستند. آنها غذای خود را می‌خورند. در جهان، تنها انسان خشن است. (نیکفر، ۱۳۷۹: ۱۲)

گرچه واژه‌ی خشونت^۱ از ریشه‌ی لاتینی زور گرفته شده است، اما برخی کوشیده‌اند خشونت را از زور متمایز کنند، به باور این گروه مگر نه این‌که خشونت اغلب از تلاش برای جبران حس فرودست‌بودن، زدودن سرخوردگی، رهایی از درماندگی و ناتوانی سرچشمه می‌گیرد؟ ژان پل سارتر خشونت فرد غضبناکی را مثال می‌زند که با داد و بیدادهای خود می‌کوشد به‌گونه‌ای سحرآمیز کسی را که به او اهانت کرده، خوار شمرده و تحقیر کرده است، نفی کند. تمامی فلسفه‌ی اسپینوزا هم می‌تواند از همین اندیشه‌ی تمایز سرچشمه گرفته باشد، زیرا می‌نویسد: «انسان آزاد و قوی نیروی خود را نخست از درک دنیا می‌گیرد و پس از آن دیگر احساس نمی‌کند بازبچه‌ای منفعل است و بدین سان، دشواری‌ها و رنج‌هایی را که شالوده بر غم دارند، کنار می‌گذارد و نفرت از دیگران، ترس از مرگ و میل به انتقام‌جویی و اعمال خشونت را پس می‌زند.» وقتی از فردی خشن سخن می‌گوییم، منظورمان این است که وی به

1 - Violence

استفاده و سوءاستفاده از نیرومندی و زور گرایش دارد. ما همواره بادی را شدید می‌نامیم که با حدت و شدت بسیار بوزد؛ میلی را شدید و خشن می‌نامیم که نتوان در برابر نیروی آن ایستادگی کرد؛ زبان رایج ما را بر آن می‌دارد تا میان زور و خشونت گونه‌ای رابطه برقرار کنیم. (استیرن، ۱۳۸۱: ۱۵)

«در جریان آنچه تحت عنوان سیاست «انفال» در فاصله‌ی ۶۹-۱۳۶۵ توسط صدام در مناطق کردنشین عراق صورت گرفت، بیش از ۱۵۰ هزار کرد یا در اردوگاه‌های کردها در بغداد و سایر شهرهای عراق یا در جریان اعدام‌های دسته‌جمعی یا بمباران‌های تعمادی شهرها و روستاهای کردنشین کشته شدند تا کردها مجبور به ترک مناطق کردنشین شوند و بالاخره به‌کار گرفتن سلاح شیمیایی از جمله در حلبچه قریب به ۱۶۳ هزار کرد کشته شدند. در واقع، از بعد تاریخی هر چه عقب‌تر می‌رویم، کارنامه‌ی ما انسان‌ها در نسل‌کشی و کشتار دسته‌جمعی هولناک‌تر می‌شود. شیعیانی که در موصل، کرکوک، تکریت و شمال سامرا به‌دست شبه‌نظامیان «داعش» قتل عام شدند، همان گناهی را دارند که کردها در زمان صدام داشتند.» (زیباکلام، ۱۳۹۳: ۱)

این واقعیت که خشونت‌ورزی تروریستی مرز و محدوده‌ای نمی‌شناسد و دامنه‌ی آن حتی به تماشای یک مسابقه‌ی ورزشی نیز کشیده می‌شود، از واقعیت دهشتناک دیگری پرده می‌گیرد و آن این‌که تروئیست‌ها با هر موضوعی که بر سر راه همه‌گیر شدن خشونت و پراکنش وحشت و ارباب قراربگیرد، با قساوت تمام مقابله می‌کنند.

«در خبرها بود که هنگام پخش مسابقه‌ی فوتبال تیم‌های ملی ایران و نیجریه، گروه تکفیری موسوم به «بوکوحرام» به یکی از مکان‌های عمومی در آن کشور که این مسابقه روی نمایشگرهای بزرگ برای مردم پخش می‌شد، حمله کردند و چندین نفر را کشتند. هم‌چنین گروه تروریستی موسوم به «داعش» که اخیراً شهر موصل و برخی از مناطق مجاور آن را در عراق به اشغال خود درآورده، طی حکمی عمومی تماشای مسابقات جام‌جهانی فوتبال را حرام اعلام کرده و مخاطبان را با شلاق مجازات کرده است.» (پاینده، ۱۳۹۳: ۱)

تبیین تروریسم از طریق طرحِ خشونت به‌عنوان ابزار و محرکی در برانگیختن عاملان آن به اقدامات تروریستی، اگرچه به‌واسطه‌ی تشریح جنبه‌ی طبیعی و ارجاع این اقدامات به خشونت مُضر در عقاید، باورها و رفتارهای تروریستی وجوه تازه‌ای از آن را برملا می‌سازد. با وجود این، به تنهایی از عهده‌ی توضیح آن برنمی‌آید؛ زیرا طبع خشونت‌ورز و خشونت برخاسته از طبیعتِ ستیزه‌جو صرفاً یکی از خیلِ عواملِ مؤثر در شکل‌گیری این پدیده است و پافشاری بر آن علاوه بر نادیده گرفتن ابعاد و عواملِ دیگر، تروریسم را به واکنشی طبیعی از زمینه‌ی پیدایش فرو می‌کاهد.

رهیافت فرهنگی^۱

برقراری این رهیافت، گرایش به خشونت و توابع آن از جمله اقدامات تروریستی یک توانش تمدنی است، می‌تواند در جریان انتقال فرهنگ و دستاوردهای آن، از نسلی به نسل دیگر مهار، کنترل، و یا تقویت شود. فرهنگ‌های مختلف از این حیث دارای توانایی‌های مختلف هستند. می‌توان فرهنگ‌هایی را یافت که در آنها به کمک آموزه‌های عرفانی و دینی که معمولاً در ادبیات و مناسک آیینی آنها سر ریز می‌کند، خشونت‌گرایی به میزان زیادی کاهش یافته باشد و آثار لطیف عرفانی و مناجات‌های دینی عمیق و انسان‌نوازی که به رواداری و نوع‌دوستی فرا می‌خوانند، جایگزین تعالیم خشونت‌روا شده باشد. (نیکفر، ۱۳۷۹)

«داعش» فقط محصول جهل، عقب‌ماندگی، محرومیت، فقر و توسعه‌نیافتگی سیاسی و اجتماعی نیست. «داعش» در عین حال محصول خشونت سیاسی حاکم در خاورمیانه و برتری فرهنگ جنگ و تنازع بر فرهنگ صلح و تفاهم هم هست. رفتار «داعش» در عراق از منظر تاریخی چندان هم بی‌سابقه نیست؛ نسل‌کشی «داعش» در عراق یادآور نسل‌کشی توتسی‌ها و رواندایی‌ها در آفریقا، تامیل‌ها و سنگالی‌ها در سریلانکا، صرب‌ها در بوسنی، اعدام‌های دسته‌جمعی در کامبوج توسط پُل پت و خیمه‌های سرخ و جنایات و نسل‌کشی صدام و حزب بعث علیه کردهای عراقی است.» (زیباکلام، ۱۳۹۳)

1 - Cultural Approach

این رهیافت به دلیل آن‌که نقطه‌ی عزیمت خود را فرد قرار داده است و بر پالایش درون از آفات اخلاقی مترتب بر شخصیت انسان که در نتیجه‌ی قرن‌ها حیات تاریخی و فرهنگی تا اعماق جان او ریشه دوانیده است، اصرار می‌ورزد و خودسازی را شرط سالم‌سازی جامعه و به تبع جهان قلمداد می‌کند؛ رهیافتی کاربردی و درمانگرانه است، از آن‌رو که پیش از تلاش برای ایجاد «نهادهایی» به‌منظور مهار، کنترل و مقابله با خشونت از شکل‌گیری «نهان‌های» خشونت‌پرهیز سخن به میان می‌آورد، و نیک می‌داند که تحقق این هدف به‌دلیل سرشت فرهنگی‌اش، در گرو تلاش «دراز آهنگ» و «مستمر» فردفرد آحاد جامعه‌ی جهانی است، تلاشی از سر «جدیت و صداقت»؛ زیرا این فرد است که می‌بایست از طریق مجاهدت با نفس و مقابله با خودشیفتگی، خرافه‌پرستی، پیشداوری، جزم و جمود، تعصب و بی‌مدارایی، اخلاقی زیستن را تمرین کند و با بازخوانی مکرر آموخته‌ها و عقاید، از ابتلا به آفت خشونت‌زای تحجر که راه را بر پذیرش هر پدیده‌ی تازه‌ای از جمله افکار و اندیشه‌های نو می‌بندد، مصون بماند. (ملکیان، ۱۳۸۵)

در نقد این رهیافت نظراتی نیز ارائه شده است، از جمله این‌که جهان را متوسطان پر کرده‌اند- نه نخبگان علمی و اخلاقی که در زمره‌ی افراد «استثنایی» هستند- کسانی که از میزان متوسطی هوش، توان جسمانی و قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند، و زندگی‌شان را بر مبنای حسابگری و اصل عقلانی هزینه- فایده مدیریت می‌کنند، اصلی که تبعیت از آن لزوماً به عدول از موازین اخلاقی نمی‌انجامد. از این منظر، اخلاق فایده‌گرا به دلیل توقف در قواعد و چشم‌پوشی از استثنائات و هم‌چنین همه‌گیر بودن، بر اخلاق فضیلت‌گرا ترجیح دارد. (دباغ، ۱۳۸۹)

رهیافت اقتصادی^۱

در رهیافت اقتصادی بر توسعه‌ی فقر و نداری (ملی و بین‌المللی) که با گسترش شکافت بین فقیر و غنی و افزایش و انباشت تبعیض و نابرابری توأم است، به‌عنوان عامل اصلی رشد

1 - Economic approach

تروریسم تأکید می‌رود؛ و تروریسم را تا موقعی که نظام اقتصادی جهان بر مدار نابرابری و سرازیر شدن بخش اعظم ثروت جهان در جیب تعداد معدودی از کشورها می‌گردد، پایدار و رو به تزیاید می‌داند.

به باور برخی از صاحب‌نظران فقر عامل اساسی شکل‌گیری فعالیت‌ها و عملیات خشونت‌آمیز و تروریستی می‌باشد. رابرت گار^۱ (۲۰۰۵)، لاکوئر، میگوئل^۲ و ساتیان^۳ (۲۰۰۴)، از جمله صاحب‌نظرانی هستند که معتقدند فقر به همراه دیگر عوامل اقتصادی، منجر به شکل‌گیری عملیات تروریستی می‌گردد. بنا بر نظر گار، فقر به تنهایی نمی‌تواند عامل تروریسم باشد. او معتقد است تروریسم در هر کجا می‌تواند بروز کند، لکن احتمال بروز آن در جوامع در حال توسعه بیش‌تر از کشورهای غنی یا فقیر است؛ بر این اساس، می‌توان گفت که کشورهایی که مدرنیزاسیون سریعی را تجربه می‌کنند، بیش‌تر شاهد تروریسم هستند. (سمعی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۴)

میگوئل و ساتیا (۲۰۰۴) معتقدند که میان فقر و شرایط نامساعد اقتصادی و شکل‌گیری عملیات خشونت‌آمیز یک رابطه‌ی تنگاتنگ وجود دارد. آنها معتقدند شرایط اقتصادی می‌تواند منجر به شکل‌گیری عملیات خشونت‌آمیز تروریستی گردد. بدین صورت که پائین آمدن ظرفیت اقتصادی دولت که در اثر شوک‌های اقتصادی صورت می‌گیرد، باعث می‌شود تا قشر جوان جامعه که در فقر اقتصادی به‌سر می‌برند و امکان فعالیت اقتصادی در بخش‌های کشاورزی و بازار و غیره نیز برای‌شان فراهم نیست، سعی در برآوردن خواسته‌های خود به طریق مشارکت در فعالیت‌های خشونت‌آمیز نمایند. از نظر لاکوئر، از عوامل اقتصادی مهم شکل‌گیری تروریسم در جهان، یکی عدم تناسب میان رشد جمعیت و اشتغال و دیگر توزیع نامناسب ثروت میان کشورهای مختلف جهان می‌باشد. لاکوئر معتقد است توزیع نامناسب ثروت به‌ویژه در کشورهای غرب آسیا (خاورمیانه) و جهان سوم باعث شکل‌گیری رکود

1 - Robert Gurr

2 - Miguel

3 - Satyanath

اقتصادی و اجتماعی در این جوامع شده است. بنابراین، وجود این شکاف و عدم رسیدگی به حل چنین معضلاتی باعث سرخوردگی و روی آوردن اقشار این جوامع به تروریسم می‌گردد. (سمعی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۴)

تأکید و پافشاری بر نقش یگانه و بی‌بدیل عوامل اقتصادی در شکل‌گیری حوادث اجتماعی و سیاسی از قبیل انقلاب، کودتا، جنگ و جز آن و گرایش افراد و گروه‌ها به تروریسم حکایتی کهنه و کلیشه‌ای است که امروزه دیگر، هوادار چندانی ندارد؛ تبیین بدیل عبارت است از آمیختگی عامل اقتصادی با دیگر مؤلفه‌های (اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، روان‌شناختی و...) مؤثر در بافتار پیدایش و ظهور تروریسم.

رهیافت مذهبی^۱

رهیافت مذهبی، یکی دیگر از رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده‌ی تروریسم است. بر اساس این رهیافت آبخور هر ترور و پدیده‌ی تروریستی‌ای که در نقطه‌ای از جهان رخ می‌دهد مذهب است. اعتقاد بر این است که ریشه‌ی هر خشونت‌ی که غالباً به شکل اقدامی تروریستی بروز می‌یابد، در تعصبات مذهبی نهفته است. در این رهیافت بر نقش تاریخی دین در مهار و دست کم کنترل خشونت هیچ تأکیدی نمی‌رود و تئوری برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون که مبتنی بر دو الگوی جمعیت‌شناختی و فرهنگی و ارائه‌ی تعریف و تصویری بسیار منفی و بدبینانه از دین اسلام و ملت‌های مسلمان است مهم‌ترین ابزار و ملاک تبیین نسبت دین (دین اسلام)، خشونت و تروریسم است.

در خصوص ریشه‌ها و علل دینی و مذهبی تروریسم، مطالعات زیادی انجام شده است و از آنجا که بخش مهمی از تروریسم در حال حاضر متکی بر دین و مذهب می‌باشد، این مسأله مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. همچنین بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر و خسارات ناشی از آن توسط افراط‌گرایان اسلامی، مذهب به‌عنوان یک عامل نیرومند در تبیین تروریسم مورد توجه قرار گرفت.

1 - Religious approach

لاکوئر، معتقد است، شخصیت رهبران و مبارزان می‌تواند در مقبولیت یا مشروعیت یک حرکت یا عکس آن با وجود آنکه با خشن‌ترین شیوه‌ها انجام می‌شود تأثیرگذار باشد. اسموک^۱ (۲۰۰۶)، از دیگر نظریه‌پردازان این عرصه معتقد است که مذهب نه تنها عامل اصلی تروریسم نیست بلکه همواره نقش صلح‌سازی داشته است. اسموک می‌گوید:

«گرچه جهان بعد از ۱۱ سپتامبر با خطر افراط‌گرایی مذهبی روبرو بوده است، اما از طرفی ادیان مختلف مسیحی، اسلامی، یهودی همواره در فرآیند صلح‌سازی نقش مهمی داشته‌اند و شواهد زیادی دال بر میانجی‌گری ادیان در چارچوب سازمان‌هایی که به همین منظور ایجاد شده‌اند موجود می‌باشد.» (همان: ۵)

هر چند تروریسم پدیده‌ای جدید است و ریشه در فرایند سکولار دارد، شکی نیست که برخی از مذاهب جهانی نوعی تروریسم را در دامان خود پرورده‌اند. این انواع مذهبی تروریسم، به نوبه‌ی خود از اصول و باورهای این ادیان سود جسته، اهداف و وسایل نیل به آنها را توجیه کرده‌اند و حال سؤال اینجاست که چه عناصری در دین وجود دارند که مورد سوء استفاده‌ی تفکر تروریستی قرار گرفته‌اند. مارگ نمایر و ریچارد کیمپال برخی از این عناصر را یادآور می‌شوند: نخست باور همه‌ی ادیان به نبردی ابدی میان خیر و شر است. همه‌ی مذاهب، به گونه‌ای نبرد میان نیروهای اهورایی اهریمنی معتقدند. باور دیگر، نقش تعیین‌کننده‌ی انسان‌ها در این نبرد حق و باطل است که در آن خوبان از بدان جدا می‌شوند. باور سوم اعتقاد به دوران حساسی در تاریخ است که صحنه‌ی آخرین نبرد بین نور و ظلمت خواهد بود و از آن در ادیان ابراهیمی به‌عنوان آخرالزمان یاد شده است. در عین حال که هیچ‌یک از این باورها فی‌نفسه، صبغی تروریستی ندارند، تروریست‌ها با ادعای دروغین فرارسیدن زمانی که در آن نبرد کیهانی حق و باطل شکل زمینی می‌گیرد و ایثار بی‌محابا می‌طلبد، سفاکی خود را توجیه می‌کنند. (صدری، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

1 - Smock

با نگاهی اجمالی به آموزه‌های اسلامی می‌توان دریافت که برخلاف عقیده‌ی کسانی که دین را مسبب و مشوق تروریسم می‌دانند، اسلام کشتن را در معنی عام و ترور را به نحو خاص، نکوهیده و مسلمانان را از ارتکاب به آن برحذر داشته است.

وقوع نخستین عمل خشونت‌آمیز و قتل نفس در میان انسان‌ها سبب شد که خداوند به صراحت علیه ریختن خون انسان‌ها اعلام موضع کند و تأکید نماید که ارزش جان یک انسان برابر جان همه‌ی انسان‌هاست. (پیمان، ۱۳۸۳: ۷۸) علاوه بر آن دین اسلام بر دفاع از ارزش‌ها تأکید دارد به گونه‌ای که مقابله با رفتارهای غیرانسانی، غاصب‌گرانه و تجاوزکارانه را واجب و اقدام به ترور در برابر عاملان این رفتارها را جهاد و عملیات شهادت‌طلبانه معرفی می‌نماید. "فقه شیعه دست کم برای تبیین رفتار سیاسی - دفاعی جوامع اهمیت زیادی دارد.

این دستگاه فقهی - حقوقی هر چند مفهوم ترور و انتحار را تحریم کرده است، اما عملیات شهادت‌طلبانه را ذیل مفهوم عمومی جهاد دفاعی قرار داده و ضمن پذیرش آن حدود و شرایط اقدامات دفاعی مشروع را توضیح می‌دهد. فقه شیعه غیر از وضعیت دفاعی، اعم از شخصی و خوف نفس یا دفاع از کیان اسلام و موجودیت جامعه‌ی اسلامی، هرگونه تعرض به غیر مسلمانان را تحریم می‌کند. منظور از وضعیت دفاعی کاملاً روشن است. فقه شیعه دفاع شخص از نفس و جان را ذیل کتاب‌های حدود قرار داده، اما دفاع از کیان اسلام و هویت جامعه‌ی اسلامی را در قالب جهاد دفاعی توضیح داده است. جهاد دفاعی خصایص ویژه‌ای دارد: اولاً، از لحاظ جغرافیایی در درون دارالاسلام و در شرایط حضور مهاجمان در جامعه‌ی اسلامی شکل می‌گیرد. ثانیاً منحصراً محدود به موقعیتی است که غیر مسلمانان قصد تعطیل اسلام و مسخ هویت اسلامی از حیث تعطیل شریعت و شعائر دینی مسلمانان را دارند. با این حال، هرچند جهاد دفاعی مستلزم هر اقدامی برای واکنش به تجاوز است. تفکر شیعی توسل به ترور را تحریم می‌کند. می‌توان گفت که هیچ‌یک از منابع شیعه از مفهوم ترور به طور ایجابی سخن نگفته‌اند. بدین سان، ترور/فتک از جمله‌ی اقدامات ممنوعی است که فرهنگ دفاعی شیعه و ادبیات فقه دفاعی با آن مواجهه‌ی سلبی دارد. (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۱۴)

همچنین فقه شیعه در دو استراتژی دفاعی خود، دو قید ممنوع دارد: تحریم فتک و غدر (قتل و فریب‌کاری)، منع ترور و حرمت نقض عهد و میثاق. بدین سان، استناد تروریست‌ها و ادبیات تروریستی در حمایت شیعیان از تروریسم، یک خطای حقوقی آشکار است. فقه شیعه ترور و نقض عهد و پیمان را مطلقاً تحریم می‌کند. (همان، ۱۲۲)

آیات و روایات متعددی در حرمت و منع ترور و قتل پنهانی (فتک) وجود دارد که هیچ‌گونه تردیدی را درباره‌ی تحریم دینی ترور باقی نمی‌گذارد. از جمله؛ آیاتی از سوره‌های مائده، انعام، کهف، و اسراء قتل نفس و کشتن انسان را جایز نمی‌داند و آن را منع کرده است.^۱

در حالی که آیات مختلف قرآن، ترور پنهانی را مردود می‌داند، کشتن انسان پاک را رد می‌کند، قتل انسان غیرقاتل و غیرفاسد را برنمی‌تابد و نیز ریختن خون انسانی که خونش

۱ - اگر دستت را به سوی من دراز کنی که مرا بکشی {بدان که} من دست درازکننده به سوی تو نخواهم بود که بکشم؛ چرا که از خداوند پروردگار جهانیان می‌ترسم. (مائده/ ۲۸)

- به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی انسان‌ها را کشته. هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی اسرائیل آورده‌اند، اما بسیاری از آنها، پس از آن در روی زمین، تعدی و اسراف کردند. (مائده/ ۳۲).

- بگو بیاید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندانان را از (ترس) فقر، نکشید، ما شما و آنها را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر به حق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید. (انعام/ ۱۵۱).

- باز به راه خود ادامه دادند، تا اینکه نوجوانی را دیدند، و او آن نوجوان را کشت. (موسی) گفت: آیا انسان پاکی را بی‌آنکه قتلی کرده باشد کشتی؟! به راستی کار زشتی انجام دادی. (کهف/ ۷۴).

- و کسی را که خداوند خونش را حرام کرده شمرده، نکشید، جز به حق! و آن کس که مظلوم، کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم، اما در قتل اسراف نکنند، چرا که او مورد حمایت است. (اسراء/ ۳۳)

در آیات قرآن، از کلمه‌ی «فتک»، «اغتيال» یا «ارهاب» به معنای ترور، استفاده نشده است، بلکه در آن کلمه‌ی قتل که اعم از کشتن پنهانی است، آمده است. بنابراین، می‌توان دریافت که قرآن با کشتن انسان‌ها به «غیرحق» مخالف است. به‌عنوان مثال، خداوند در آیه‌ی ۱۷۸ بقره، اگرچه قصاص را حق اولیای دم می‌داند، ولی از آنان می‌خواهد که قاتل را ببخشند و یا این‌که فقط از او دیه دریافت نمایند. و نیز، توصیه می‌کند طرفین در دریافت و پرداخت دیه انصاف را رعایت کنند.

محترم است را منع کرده است. روایات اسلامی هم ترور را به‌عنوان نشانه‌ای از علائم ظهور منجی آخرالزمان، مخالف ایمان و اسلام ذکر کرده و آن را باطل می‌داند. البته قرآن در قصاص، افساد در روی زمین و محاربه با خدا و رسول خدا، دستور کشتن داده است. ولی در هیچ یک از موارد، برخلاف ترور، قتل به صورت پنهانی، بدون اذن امام معصوم^(ع) یا نایب آنان، یا رهبری و حاکم اسلامی صورت نمی‌گیرد. و نیز برخلاف ترور، این اقدام را منجر به بازگشت آرامش به جامعه و بازگرداندن امنیت عمومی به جامعه می‌داند. پیامبر^(ص) در مواردی، دستور کشتن افرادی را صادر کرده‌اند. افرادی که به هجو مسلمان پرداخته‌اند، به دشمنان مسلمانان مدد رسانده‌اند، به سلب امنیت عمومی دست زده‌اند، به ناموس مسلمانان تعدی کرده‌اند، به پیمان صلح با پیامبر^(ص) پایبند نمانده‌اند. بنابراین، فرمان پیامبر^(ص) برای کشتن آنها، ترور نبود. زیرا ترور مخفیانه صورت می‌گیرد، وحشت می‌آفریند و ترور شونده بدون محاکمه ترور می‌شود. امام و پیامبر^(ص) در مقام حاکم اسلامی که شأن قضاوت را نیز دارند، آشکارا دستور کشتن این افراد را صادر کرده است. این اقدام‌ها، آرامش را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد. از این‌رو، در سیره‌ی نبوی نشانی از ترور به مفهوم امروزی وجود ندارد. حتی در برخی از احادیث بر جا مانده از پیامبر^(ص) ترور نهی شده است. (شیرودی، ۱۳۸۲)

دولت اسلامی عراق و شام^۱

این جریان که از گروه‌های افراطی و رادیکال سنی مذهب تشکیل شده است، محور ایدئولوژی جهانی تکفیری قرار گرفته است. از مؤلفه‌های ساختاری داعش می‌توان به تفسیری افراطی و سلفی اشاره کرد که در آن اسلام دینی غرب‌ستیز، خشونت‌گرا، و مرتد و کافر نامیدن مخالفان خود معرفی شده است. موفقیت گروه داعش در تصرف چند شهر عمده‌ی عراق غافلگیرانه بود. گروهی که نام آن (داعش) مخفف «دولت اسلامی شام و عراق» است و هدفش ایجاد خلافت اسلامی در جغرافیایی است که نه فقط سوریه و عراق امروزی بلکه ایران را تا مرزهای خراسان با افغانستان شامل می‌شود. داعش یکی از مرگبارترین و فعال‌ترین

1 - Islamic State of Iraq and the Levant (ISIL)

سازمان‌های تروریستی جهان است و تاکنون هزاران نفر از شهروندان بی‌گناه که غالباً در مناطق پرجمعیت و مراسم مذهبی حضور داشته‌اند، قربانی حملات تروریستی آن شده‌اند. داعش به قدری تندرو و سخت‌گیر است که با دیگر گروه‌های اسلام‌گرای سلفی از جمله جبهه‌ی النصره، شاخه‌ی رسمی القاعده در سوریه نیز درگیر جنگ شده و در فوریه‌ی ۲۰۱۴ ایمن‌الظواهری، رهبر القاعده به طور رسمی هرگونه انتساب این گروه به القاعده را رد کرده است. داعش در سوریه متحمل شکست‌هایی در مقابل جبهه‌ی النصره شده است، اما در ژوئن ۲۰۱۴ موصل، دومین شهر بزرگ عراق را به تصرف خود درآورد. (ویکی پدیا)

نوستالژی خلافت اسلامی^۱

داعش نقشه‌ای را در اینترنت منتشر کرده که نشان‌دهنده‌ی سرزمین‌هایی است که این گروه اسلام‌گرای تروریستی در صدد تسخیر آنها در طول پنج سال آینده است. روزنامه‌ی پرتیراژ بریتانیایی "دیلی میل" نقشه‌ای را که در شبکه‌ی اینترنت در گردش است، بازنشر کرد. خاورمیانه، شمال آفریقا، بخش‌های وسیعی از آسیا، از جمله ایران و افغانستان، و بخش‌هایی از اروپا در این نقشه به رنگ سیاه نشان داده شده‌اند که به معنای سرزمین‌های موردنظر "خلافت دولت اسلامی" است.

طبق این نقشه داعش می‌خواهد اسپانیا که به مدت هفتصد سال در سده‌های میانه (تا سال ۱۴۹۲ میلادی) جزو سرزمین‌های تحت خلافت اسلامی بود، و نیز کشورهای حوزه‌ی بالکان (شامل یونان، رومانی و بلغارستان) و شرق اروپا و اتریش را تصرف کند. رهبر داعش، ابوبکر بغدادی که خود را "خلیفه" می‌نامد، روز گذشته (سه‌شنبه، اول ژوئن / ۱۰ تیر) برای نخستین بار در یک پیام صوتی، مسلمانان جهان را مورد خطاب قرار داد و از آنها خواست برای "جهاد مقدس" و برقراری "دولت اسلامی" به او یاری رسانند و عازم عراق و سوریه شوند. رهبر داعش هم‌زمان صلح، آزادی، دمکراسی و سکولاریسم را "شعارهای گمراه‌کننده‌ی" بی‌دینان خواند. گروه داعش مدام در تبلیغات خود خواستار بازگشت مرزهای

1 - Nostalgia Islamic Caliphate

جغرافیایی به دوره‌ی پیش از جنگ جهانی اول می‌شود. این گروه تقسیم امپراتوری عثمانی به وسیله‌ی نیروهای متحدین و طی قرارداد "سایکس-پیکو" را توطئه‌ی کشورهای غربی برای جدایی افکندن میان مسلمانان می‌داند. (همان)

اگرچه سازمان‌های تروریستی اسلام‌گرا (القاعده، داعش، بوکوحرام و ...) می‌کوشند تا از نص قرآن و متون پایه‌ای اسلام، گزاره‌هایی را استخراج کنند که مؤید خشونت‌ورزی و تروریسم است و یا در بسیاری از موارد دیگر با تفسیر به رأی آیات و روایات، اسلام را حامی تروریسم معرفی کنند؛ با وجود این، رهیافت حاضر نیز به تنهایی از عهده‌ی تبیین تروریسم برنمی‌آید، به‌ویژه آن‌که ردپای تروریسم را در نصوص و آموزه‌های دینی می‌جوید؛ حال آن‌که تعالیم هر دین یا مذهبی (به‌ویژه دین اسلام) لزوماً ترور را تجویز نمی‌کند و آن‌چنان که در بالا اشاره شد، از ضابطه‌مند ساختن اعمال خشونت از طریق انحصار کاربرد آن توسط حکومت دینی، توانش تاریخی ادیان در مهار و کنترل خشونت و نقش بسیار مؤثر سکولاریسم در رواج خشونت و پیدایش تروریسم غافل مانده است.

رهیافت سیاسی^۱

رهیافت سیاسی می‌کوشد تا با تعریف ترور به‌عنوان کنش و یا واکنشی سیاسی به تحلیل این پدیده‌ی دارای ابعاد پردازد. صاحب‌نظران این رهیافت ترور را پی‌آیند وقوع بحران در سپهر قدرت سیاسی و منطق حاکم بر روابط نیروها در این عرصه می‌دانند و آن را راهبرد و شگردی می‌انگارند که گروه‌های سیاسی مختلف برای کسب قدرت و جلب منافع از آن بهره می‌گیرند.

در درگیری‌های سیاسی میان احزاب و گروه‌ها اغلب مشاهده شده است که بعضی از گروه‌ها که بعضاً از حمایت مردمی نیز برخوردار می‌باشند، از تروریسم استفاده می‌کنند؛ به عبارتی تروریسم برای این گروه‌ها حکم یک راهبرد و تاکتیک را دارد. در مقابل این گروه‌ها، احزابی هستند که هیچ نوع حمایت مردمی ندارند و یا منزوی شده‌اند؛ بنابراین، این دسته نیز از

1 - Political approach

تروریسم نه به‌عنوان یک تاکتیک بلکه به‌عنوان تنها گزینه‌ی پیش رو استفاده می‌کنند و چون گزینه‌ی دیگری ندارند، بعد از مدتی این عمل جزئی از هویت آنها می‌شود. به عبارت دیگر، در شرایطی خاص که مثلاً امکان دستیابی به قدرت توسط حاکمیت از بین رفته باشد، تروریسم می‌تواند مشروعیت یابد و اهداف و حتی روش‌های آن مورد حمایت مردم نیز قرار گیرد. از نظر لاکوئر، دستیابی به قدرت و برنامه‌های گسترده‌ی آینده، یکی از دلایل پیوستن جنبش‌های اجتماعی و ملی به تروریسم می‌باشد و تغییر سیاست حکومت‌های حاکم برای جلوگیری از یک خیانت ملی نیز می‌تواند در زمره‌ی علل بروز پدیده‌ی تروریسم جای گیرد. (سمیعی اصفهانی به نقل از عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۴)

اساساً خشونت سیاسی ریشه در حیات جمعی انسان دارد و به‌طور مشخص می‌توان به نظریات سه‌گانه‌ی تأسیس دولت - یا تولد جامعه‌ی مدنی - اشاره نمود که تماماً دلالت بر ضرورت وجود خشونت دارد: ۱- نظریه‌ای که علت تأسیس دولت اولیه را در لزوم ایجاد شبکه‌های آبیاری در مناطق کم آب می‌داند؛ ۲- نظریه‌ای که دولت را مرجع قانونی و یگانه عامل به‌کارگیرنده‌ی خشونت و تنظیم‌کننده‌ی روابط بین افراد جامعه می‌داند؛ ۳- نظریه‌ای که تأسیس دولت را ناشی از تأمین نیازهای تجاری می‌داند، هر سه بر پذیرش خشونت دلالت دارند. (فکوهی، ۱۳۷۸: ۴۵)

تروریسم را به هر نوع خشونت سیاسی اطلاق می‌کنند که فاقد توجیهات صحیح اخلاقی و قانونی باشد؛ صرف‌نظر از آن که بازیگر، یک جنبش انقلابی یا دولت باشد. (هاشمیان‌فر، ۱۳۸۶: ۲۳۳)

دولت اسلامی عراق و شام (به عربی: الدولة الاسلامیه فی العراق والشام) با نام اختصاری داعش، یک گروه شورشی فعال در عراق و سوریه است که خود را کشوری مستقل دانسته و بخش‌هایی از شمال سوریه و عراق را در تصرف خود دارد. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از جنگجویان سلفی جداشده از شبکه‌ی القاعده تأسیس شده و علیه دولت‌های عراق و سوریه وارد جنگ شده است. داعش گروهی مسلح است که به‌دلیل داشتن اندیشه‌های سلفی

و تکفیری، گروهی تروریستی نامیده می‌شود. هدف از تشکیل آن احیای خلافت اسلامی و اجرای شریعت و محمل تحقق این ایده، عراق و شام است. حملات روزانه‌ی داعش، عمدتاً در مرکز عراق و شامل استان‌های شمال و غرب پایتخت و استان‌های شمالی است که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، و جامعه هدف این حملات نیروهای امنیتی، غیرنظامیان شیعه در اماکن عمومی، از جمله کافه‌ها، مساجد و بازار است. داعش امیدوار است با از بین بردن اعتماد عمومی به نیروهای امنیتی و تحریک به شورش علیه دولت به بحران و ناامنی عمومی دامن بزند. (آوستین، ۲۰۱۴)

ساختار سازمانی^۱

رهبر فعلی داعش ابراهیم عواد ابراهیم علی البدری است که اگرچه نام‌های مستعار بسیاری دارد، ولی معمولاً با نام ابوبکر البغدادی و ابودعا شناخته شده است. البغدادی پس از مرگ سلف خود (ابوحزمه المهاجر) در ماه می ۲۰۱۰، به رهبری داعش رسید. او در حال حاضر در سوریه قرار دارد. البغدادی ابومحمد عدنانی الشامی را به‌عنوان امیر برای سوریه منصوب کرد. داعش هم‌چنین دارای یک ساختار بسیار سلسله‌مراتبی است که شامل یک شورای رهبری کلی و استانی در دو دولت عراق و سوریه است. این شوراها دارای استقلال نسبی هستند و مدیریت آنها با فرماندهان ارشد است. (همان)

میراث خوار القاعده^۲

مرام دولت شام و عراق روی هم‌رفته مرام القاعده است و شیوه‌ی جنگ پاریتزاری و نامنظم آنها نیز برگرفته از الگوی القاعده است. آنها هم‌چون القاعده تفکر سلفی دارند و در مناطق تحت سیطره‌ی خود قوانین بحث‌برانگیزی، مانند سربریدن مخالفان، شکنجه و شلاق در ملأعام تا ممنوعیت پوشیدن شلوار جین برای زنان و مردان کمر باریک، ممنوعیت کوتاه کردن مو، ممنوعیت نمایش لباس‌های زنانه در ویتترین و ممنوعیت کارکردن مردان در فروشگاه لباس

1 - Organizational Structure

2 - Qaeda heir

زنانه، ممنوعیت ورود مردان به مغازه‌های لباس خیاطی زنانه، ممنوعیت تبلیغ آرایشگاه‌های زنانه، ممنوعیت استفاده از کلمه‌ی داعش، ممنوعیت مراجعه‌ی زنان به دکتر زنان و زایمان، ممنوعیت شانه‌کردن موی سر و صورت برای مردان، ممنوعیت کشیدن سیگار و قلیان و ممنوعیت نشستن زنان بر صندلی را به اجرا گذاشته‌اند. قوانینی که به خوبی تعلق معنوی داعش به القاعده را نشان می‌دهد، هرچند که موضوع به همین آسانی هم نیست. ابوبکر البغدادی رهبر گروه داعش از جنگجویان سلفی جداشده از شبکه‌ی القاعده است. بغدادی قدرت و اقتدار خود را در عرصه‌ی تکفیر و ترور به‌دست آورده است. روزنامه‌ی واشنگتن پست او را استراتژیستی زیرک و قاتلی بی‌رحم معرفی کرده است. (مرزبان، ۱۳۹۳)

رهیافت منطقی - عقلانی^۱

رهیافت منطقی - عقلانی کارآمدترین رهیافت در تحلیل پدیده‌ی تروریسم است. مدعای این رهیافت این است که تروریسم از منطقی راهبردی پیروی می‌کند. بدین معنا که نه تنها اقدامی تصادفی و غیرمعقول نیست، بلکه هدفمند است و در جهت رسیدن به هدف معین و مشخص سیاسی به کار گرفته می‌شود. در این نگاه، تروریسم عبارت است از کاربرد تهدید برای مجبور کردن دولت موردنظر به منظور عقب‌نشینی از مواضع و تغییر سیاست‌گذاری‌های خود. از نظر پیپ، تروریسم در فرآیند نیل به هدف خود تلاش می‌کند تا با تحمل کم‌ترین هزینه، بیش‌ترین خسارت را بر طرف مقابل وارد کند و به همین دلیل، تروریسم از جمله حملات تروریستی انتحاری برای تروریست‌ها کارآمد بوده است. (Pape, 2003) بر اساس این منطق راهبردی و عقلانیت ابزاری نهفته در آن، اقدامات سازمان‌هایی هم‌چون القاعده، حماس و بربهای تامیل در به‌کارگیری محاسبه‌گرانه‌ی حملات انتحاری نه غیرعقلانه بوده و نه از سرجنون و دیوانگی.

در نهایت، یافته‌های پیپ به قرار زیر هستند:

1 - Rational-logical approach

- ۱) تروریسم انتحاری در پی دستیابی به اهداف خاص سیاسی است و بسته به میزان رسیدن به اهداف خود، شدت حملات تروریستی را کم و زیاد می‌کند؛
- ۲) این نوع از تروریسم در صدد فشار بر دموکراسی‌های مدرن به منظور گرفتن امتیازهای سرزمینی که از آن به خودمختاری سرزمینی تعبیر می‌شود، است؛
- ۳) تروریست‌ها، تروریسم انتحاری را مؤثر و کارآمد ارزیابی می‌کنند؛
- ۴) تروریسم انتحاری به منظور دست‌یافتن به امتیازات بیش‌تر، با به‌کارگیری تدریجی تنبیهات تروریستی خود علیه دولت‌های هدف، و هم‌چنین تهدید غیرنظامیان، آنها را به تسلیم بیش‌تر و پرداخت هزینه‌های امنیتی سنگین‌تر وادار می‌کند؛
- ۵) در نهایت، نتیجه‌بخش‌ترین روش جهت مهار تروریسم انتحاری، کاستن از اطمینان تروریست‌ها به توانایی خود برای انجام این حملات است. (Ibid)

تروریسم در جهان مجازی^۱ (فضای وب)

این فقط پیش‌روی‌های غافل‌گیرکننده‌ی "داعش" در خاک عراق و سوریه نیست که چشم‌ها را خیره کرده؛ حضور هدفمند، منظم و برنامه‌ریزی‌شده‌ی این گروه تروریستی در دنیای آنلاین و بهره‌گیری از ظرفیت‌های وب برای ارباب و ترویج دیدگاه‌های افراطی این گروه هم حیرت ناظران را برانگیخته است.

اگر در دنیای پیش‌اینترنت صدای طبل‌های جنگ بود که ورود مهاجمان را ندا می‌داد، حالا این سیل توییت‌هاست که خبر از پیش‌روی‌های جدید مهاجمان می‌دهد. تروریست‌های اسلام‌گرای داعش که در هفته‌های اخیر با تصرف چند شهر کلیدی در عراق در صدر خبرهای نگران‌کننده‌ی جهان نشسته‌اند، از تکنیک‌های نوینی برای جنگ روانی بهره می‌گیرند و رسانه‌های اجتماعی را هوشمندانه به عنوان ابزاری برای تبلیغات تروریستی به خدمت گرفته‌اند.

1 - Terrorism in the virtual world

تصاویر کشتار بی‌رحمانه‌ی سربازان عراقی در فضای آنلاین توجه زیادی را به خود جلب کرد. منبع این تصاویر اکانت‌های گوناگون وابسته به داعش و حامیان آنهاست که آشکارا با پیروی از یک راهبرد مشخص در زمینه‌ی شبکه‌های اجتماعی، پیام موردنظر آنها را به جهان می‌رساند. افراط‌گرایان و تروریست‌ها در سراسر جهان سال‌هاست که از دنیای آنلاین برای ترویج ایده‌های ویرانگر و به خدمت گرفتن نیروهای بالقوه و جذب کمک‌های مالی بهره می‌گیرند و داعش یکی از ماهرانه‌ترین رویکردها را در این عرصه به کار گرفته است.

تکنیک در خدمت تروریسم^۱

مجله‌ی آتلانتیک در گزارشی که پیرامون فعالیت‌های آنلاین گروه داعش منتشر کرد، از انتشار اپلیکیشن ویژه‌ای برای توییت‌ر توسط این گروه خبر داد که تاکنون صدها کاربر برای استفاده از آن روی گوشی‌های اندروید اطلاعات خصوصی‌شان را هم در اختیار طراحان آن قرار داده‌اند.

این اپلیکیشن که "فجر البشائر (Dawn app)" نام دارد، به صورت اتوماتیک توییت‌ها را از طریق اکانت شما منتشر می‌کند؛ توییت‌هایی که توسط نیروهای زبردست داعش در امور شبکه‌های اجتماعی آماده‌ی انتشار می‌شوند. آنها از این طریق از گزند الگوریتم‌های کشف اسپم‌های توییت‌ر هم در امان می‌مانند، چون کاربران داوطلب به صورت معمول توییت‌ها را روی صفحه‌های‌شان ارسال می‌کنند و راه ساده‌ای برای مسدود کردن آنها وجود ندارد.

بهره‌گیری از شبکه‌های آنلاین^۲

پس از حرکت پیکارجویان داعش به سوی بغداد، توییت‌ر پر از توییت‌ها و عکس‌هایی شد که این گروه با مضمون "بغداد، ما داریم می‌آیم"، منتشر می‌کرد و هر جستجویی در توییت‌ر، کاربران را به توییت‌های این تکفیری‌های افراطی می‌رساند. عملیات ارعابی که تاکنون به این شکل و با این میزان از موفقیت در دنیای آنلاین اجرا نشده بود.

1 - Technique in the service of terrorism

2 - Using online networks

این فقط یکی از تکنیک‌های داعشی‌هاست. مهم این است که آنها با بهره‌گیری از این راهبرد در مواقع ضروری می‌توانند هشتگ‌هایی را (برچسبی که برای دسته‌بندی و به اشتراک‌گذاری پست‌ها و نظرات درباره‌ی موضوعی خاص در سطح جهانی و فراتر از حلقه و فهرست دوستان به‌کار می‌رود) که می‌خواهند تبدیل به ترند (نرم‌افزار امنیت رایانه) کنند و پیام خود را با صدایی رساتر به مخاطبان خود در سراسر جهان برسانند. تروریست‌های داعش که با کشتار جمعی بی‌رحمانه در حال پیشروی هستند، نیروهای زبده‌ای هم در اختیار دارند که حضور آنلاین آنها را از اتاق فرمانی نامعلوم در جایی در این کره‌ی خاکی، برنامه‌ریزی و هدایت می‌کنند و این هدایت آن‌قدر حساب شده است که راهی برای مقابله با آن نمی‌توان یافت.

حتی هکتیویست‌های (که بنا بر عقایدشان با حملات اینترنتی خود از جنبش‌های مردمی در دنیا حمایت می‌کنند) ناشناس که از قصد خود برای مقابله با حامیان داعش در دنیای وب خبر داده‌اند، اعلام کرده‌اند که در عملیات موسوم به NOZISIS به وبسایت‌ها و سرویس‌های آنلاین سه دولت حامی داعش (ترکیه، قطر و عربستان سعودی) حمله می‌کنند. در این میان، پیوستن متخصصان و علاقه‌مندان رایانه (گیک‌ها) به تروریست‌ها خبری نگران‌کننده است که تهدیدی جدی برای صلح جهانی محسوب می‌شود.

اگرچه تأمل درباره‌ی اهمیت مؤلفه‌های عقلانی - منطقی و نقش آنها در شکل‌گیری و پیش‌برد اقدامات جریان‌های تروریستی موضوع بسیار مهمی است و تشریح ماهیت پیچیده و ابعاد تودرتوی آن، پژوهشگر را به نتایج بس درخشانی رهنمون می‌شود؛ با وجود این، به‌نظر نمی‌رسد که تنها به کمک آن بتوان بر پیچیدگی‌های ساختاری و کارکردی این پدیده پرتو افکند. موضع کانونی این رهیافت عبارت است از مطلوب و مفید بودن ابزار ترور در نگاه عاملان آن به مثابه راهبردی رهگشا و کارآمد که با کم‌ترین هزینه و بیش‌ترین فایده و بیش‌ترین و سنگین‌ترین هزینه برای جامعه‌ی هدف، دستیابی به اهداف را امکان‌پذیر می‌کند.

رهیافت عقلانی - منطقی با فروکاستن ترور و اقدامات تروریستی به ابزاری برای نیل به مقاصد سیاسی - اجتماعی از تحلیل نقش سرنوشت‌ساز باورهای مذهبی و آموزه‌های سیاسی

در گرایش افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها به اقدامات تروریستی فرو می‌ماند و انجام اقدامات تروریستی را صرفاً به کمک قاعده‌ی فایده-هزینه و بهره‌گیری سازمان‌مند و حساب‌گرانه‌ی تروریست‌ها از مدرن‌ترین دستاوردها به حساب می‌آید، حال آن‌که برای بسیاری از گروه‌های تروریستی و در نمونه‌ی موردبحث (داعش) این عامل در قیاس با دغدغه‌ها، تعلقات و آرمان‌های عقیدتی-سیاسی در مراتب نازل‌تری قرار دارد.

نتیجه‌گیری

پیچیدگی پدیده‌ها، ذاتی امر اجتماعی است و امروز بیش از هر زمان دیگری ناکارآمدی دیدگاه‌ها و روش‌های تک‌بعدی در تحلیل پدیده‌های اجتماعی آشکار شده است، هم از این‌رو، در پژوهش حاضر برای تبیین پدیده‌ی پیچیده‌ی تروریسم از رویکرد ترکیبی استفاده شد؛ بارزترین ویژگی این رویکرد بهره‌گیری از یافته‌های نظری گونه‌گونی است که در قالب رهیافت‌هایی چند، به بازخوانی پدیده‌ی تروریسم و شاخص‌ترین مصداق آن (داعش) اهتمام می‌ورزد.

بی‌شک سهم و قدرت رهیافت‌ها در این فرایند یکسان و هم‌سنگ نیست؛ بلکه هر یک به قدر طاق‌نظری و توان تبیین‌گرانه‌ی خود بخشی از مسأله را توضیح می‌دهد و بر این نکته تأکید می‌ورزد که گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بر خلاف سرعت خیره‌کننده‌ی پیشروی و ارتکاب اقدامات دهشتناک و سبعانه‌ی تروریستی - که بی‌هیچ گمان در زمره‌ی نسل‌کشی و جنایت جنگی است - محصول فرایندی طولانی و تاریخی است که پس از انباشتگی عقده‌های عقیدتی و سیاسی و مذهبی و فرقه‌ای در طی اعصار، اکنون هم‌چون آتشفشانی خاموش دوباره فعال شده است و زنگ خطر را نه فقط برای عراق و سوریه، بلکه برای منطقه و جهان به صدا درآورده است.

از آنجا که مذهب و سیاست بیش‌ترین نقش را در تمایزبخشی به هویت تاریخی و فرهنگی ملت‌ها و کشورهای غرب آسیا (خاورمیانه) ایفا می‌کنند و جریان تروریستی داعش زادوتوشه‌ی نظری و الگوی رفتاری^۱ خود را نخست از غیرانسانی‌ترین و انحرافی‌ترین خوانش

1 - Behavioral pattern

از اسلام برگرفته و سپس آن را با میل و حشیانه به تصاحب قدرت سیاسی درآمیخته است، می‌توان چنین باز نمود که در ظهور و پیدایش این جریان، بیش‌ترین و بزرگ‌ترین سهم از آن انگیزه‌ها و عوامل سیاسی و مذهبی است؛ بنابراین، در پژوهش حاضر بررسی پدیده‌ی تروریسم و تحلیل یکی از برجسته‌ترین مصداق‌های آن (داعش)، بر عهده‌ی رهیافت‌های سیاسی و مذهبی نهاده شده است.

امروز و با ظهور این پدیده‌ی جنایت‌پیشه (داعش) شایسته است جهان به هر ندای دینی انسان‌ستیزی حساسیت و واکنش نشان دهد و صف مدافعان حقوق و کرامت ذاتی انسان از هر دین و قوم و ملیتی فشرده شود. در این میان، فرقی میان تمایلات افراطی اسلامی، مسیحی و یهودی نیست و هر نوع تندروی آئینی می‌تواند کشت‌زار مناسبی برای "انسان‌ستیزی" و زهدان داعش و القاعده باشد. کشورهای اسلامی در این میانه با اردوگاه غرب خصومتی اصیل ندارند و می‌توانند صف واحدی تشکیل دهند، مشروط به آن‌که ریاکاری غرب در تخم‌ریزی جهانی جنبش سلفی و دفاع از زرادخانه‌های انسانی و مالی آنها متوقف شود؛ از این منظر، غرب خود متهم ردیف اول و پشتیبان اصلی جنبش لجام‌گسیخته‌ی فاشیستی موسوم به خلافت اسلامی در منطقه‌ی غرب آسیا (خاورمیانه) است.

ایران ما امروز درست در میانه‌ی آتش است و پیرامون مرزهای آن شعله‌های آتش سلفی رو به افزایش است. امروز از همه جای جهان و از همین محلات مسکونی در اروپا جوانانی سرخورده، تحقیر شده و کینه‌توز برای بازتوانی "امپراتوری جهل مقدس" به منطقه می‌روند و نزاع شیعه و سنی تنها بهانه‌ای برای حاکمیت هوس‌های مقدس و کور است. گناه غرب در هویت‌جویی خصمانه‌ی این دسته از مسلمانان کم نیست. توهّم دستیابی به آرمان و عدالت اسلامی، آنها را به طعمه‌های ارزانی در نزاع خاورمیانه بدل کرده است. کارزار انسانی در گرفته است که فراتر از عقده‌های تاریخی شیعه و سنی است، ولی این دو طایفه‌ی بزرگ اسلامی اولین قربانیان این کارزارند.

پُرپیداست که در مسیر دستیابی به صلح پایدار و برون‌رفت دولت و ملتِ مظلومِ عراق از وضعیت بحرانی پیش‌رو، هیچ راه میان‌بری وجود ندارد. یگانه راه پیشگیری از پیدایش و مقابله با جریان‌ها و گروه‌های جنگ‌طلب و خشونت‌ورزی از قبیل داعش و القاعده تلاش برای تأسیس و استقرار دولتی فراگیر در بستر نظام سیاسی دموکراتیک است، آن هم نه از طریق دخالت خانمان‌سوزِ نیروهای بیگانه - که در بسیاری از موارد، خود عامل اصلی پیدایش جریان‌های تروریستی‌اند - بلکه از درون و با ایجاد نهادهای مدنی‌ای که با گسترش فرهنگ روادار و خشونت‌پرهیز، امکان زندگی مسالمت‌آمیز فرقه‌ها و گروه‌های متکثر قومی، نژادی، مذهبی و سیاسی را فراهم آورند. وضعیت سوریه هم بیش و کم بر همین قرار است.

طرح و ترسیم چهره‌ای مدنی و صلح‌آمیز از اسلام به مثابه بدیلِ قرائتِ خشونت‌گرا، دیگرستیز و تروریسم‌پرورِ گروه‌های تروریستی و بسط و توسعه‌ی این الگو در سایه‌ی نظام سیاسی مردم‌سالار، گم‌شده‌ی جغرافیای متشنج و بحران‌زده‌ای است که از یک سو تا لیبی و سودان و از سوی دیگر تا عراق و یمن و سوریه امتداد یافته است؛ آرزمانی که تحقق آن بیش و پیش از هر چیز، در گرو ایفای نقش مصلحانه‌ی تاریخی و تحوّل‌آفرینِ مراجع بلندپایه‌ی دینیِ جهانِ اسلام است.

منابع

فارسی

- ۱- استیرن، فرانسوا (۱۳۸۱): خشونت و قدرت، ترجمه‌ی بهنام جعفری، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۲- برن، رندی (۱۳۸۸): روان‌شناسی تروریسم، تهران: دانشکده و پژوهشکده‌ی اطلاعات و امنیت.
- ۳- بیگدلی، علی (۱۳۷۷): ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران، ج ۱، تهران: سروش.
- ۴- بیگدلی، علی (۱۳۸۵): "ترور در ایران و جهان"، ماهنامه‌ی زمانه، سال پنجم، شماره‌ی ۵۱.
- ۵- پاینده، حسین (۱۳۹۳): فوتبال، فرصتی برای اندیشیدن به صلح؛ خوانشی نشانه‌شناختی از یک تصویر، روزنامه شرق، شماره‌ی ۲۰۵۵، تیر ماه ۹۳.
- ۶- پیمان، حبیب‌الله (۱۳۷۴): "واکنش جمعی ایرانیان به تجاوز و خشونت"، ماهنامه‌ی چیستا، شماره‌ی ۱۳.
- ۷- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۸): بررسی ساختار و تشکیلات گروه‌های تروریستی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۸- جی‌بدی، توماس (۱۳۷۸): تعریف تروریسم بین‌الملل، ترجمه‌ی سیدرضا میرطاهر، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، شماره‌ی ۵ و ۶.
- ۹- حاجیانی، ابراهیم، ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۹): پژوهش‌ها و مطالعات تروریسم، تهران: پژوهشکده‌ی تحقیقات راهبردی.
- ۱۰- دباغ، سروش (۱۳۸۹): ترنم موزون حزن، تهران: نی.
- ۱۱- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷): لغت‌نامه‌ی دهخدا، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۲- زاهد زاهدانی، سیدسعید (۱۳۷۷): "نظریه‌ای ترکیبی در مورد جنبش‌های اجتماعی"، فصلنامه‌ی فرهنگ، شماره‌ی ۲۸-۲۷.
- ۱۳- زیباکلام، صادق (۱۳۹۳): جامعه‌شناسی خشونت، روزنامه شرق، شماره‌ی ۲۰۴۱، خرداد ماه.
- ۱۴- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸): فربه‌تر از ایدئولوژی، تهران: صراط.
- ۱۵- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۴): از شریعتی، تهران: صراط.

- ۱۶- سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۲): "جامعه‌شناسی تاریخی قیام عاشورا"، فصلنامه‌ی مشکوه، شماره‌ی ۷۹.
- ۱۷- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۰): "تروریسم دولتی"، فصلنامه‌ی راهبرد، زیرچاپ.
- ۱۸- شریفیان، مرتضی (۱۳۸۵): "تروریسم؛ تداوم و تغییر"، ماهنامه‌ی زمانه، شماره‌ی ۵۱.
- ۱۹- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۲): "اسلام و تروریسم"، فصلنامه‌ی حقوق و علوم سیاسی، شماره‌ی ۵۹.
- ۲۰- صدری، محمود (۱۳۸۷)، "مبنا و معنای تروریسم از منظر جامعه‌شناختی"، ماهنامه‌ی بازتاب اندیشه، شماره‌ی ۱۰۶.
- ۲۱- طلوعی، محمود (۱۳۷۷): هفت پادشاه، ج ۱، تهران: نشر علم.
- ۲۲- طیب، علیرضا (۱۳۸۲): تروریسم: تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، تهران: نی.
- ۲۳- فرهادپور، مراد (۱۳۷۹): "تفکر و خشونت"، ماهنامه‌ی کیان، شماره‌ی ۴۵.
- ۲۴- فکوهی، ناصر (۱۳۷۸): خشونت سیاسی: نظریات، مباحث، اشکال، راهکارها، تهران: قطره.
- ۲۵- فولادوند، عزت‌الله (۱۳۸۹): "از شکستن سنگ مزار شاملو تا آهنگ ویرانی مقبره‌ی حافظ"، ماهنامه‌ی حافظ، شماره‌ی ۷۶.
- ۲۶- فولادوند، حامد (۱۳۸۱)، "عفونت تاریخ و بازگشت گودزیلا"، ماهنامه‌ی گزارش، شماره‌ی ۱۲۷.
- ۲۷- فیرحی، داود (۱۳۸۳)، "دفاع مشروع ترور و عملیات استشهادطلبانه در مذهب شیعه"، فصلنامه‌ی شیعه‌شناسی، شماره‌ی ۶.
- ۲۸- فیرحی، داود، ظهیری، صمد (۱۳۸۷)، "تروریسم: تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده‌ی تروریسم"، فصلنامه‌ی سیاست، شماره‌ی ۳.
- ۲۹- مرزبان، نادر (۱۳۹۳): نفوذ داعش در عراق، ماهنامه‌ی گزارش، شماره‌ی ۱۲۷.
- ۳۰- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۸): "دگرگونی مفهوم تروریسم: بررسی موردی تروریسم در هند"، ماهنامه‌ی سیاسی-اقتصادی، شماره‌ی ۲۲.
- ۳۱- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵): "جنبش اجتماعی: نشانه‌ی سلامت یا بیماری جامعه"، ماهنامه‌ی زنان، شماره‌ی ۱۴.
- ۳۲- نجفی، موسی (۱۳۸۹): هویت ملی ایرانیان و انقلاب اسلامی، تهران: زمان نو.
- ۳۳- نعمتی وروجنی، یعقوب (۱۳۸۸): ترور از دیدگاه اسلام و امام خمینی، تهران: امیرکبیر.
- ۳۴- نیکفر، محمدرضا (۱۳۷۸): خشونت، حقوق بشر، جامعه‌ی مدنی، تهران: طرح نو.
- ۳۵- ویکیپدیا
- ۳۶- هاشمیان‌فر، زاهد (۱۳۸۶): "خشونت سیاسی دسته‌جمعی"، ماهنامه‌ی نگرش راهبردی، شماره‌ی ۸۱ و ۸۲.

انگلیسی

37- Political Science Review , Vol.92. NO. 3, p.343. -

- 38- Henry Austin(2014). Islamic State of Iraq and the Levant organization(ISIL),by Syrian network for human rights,pp1-5
- 39- <http://www.yjc.ir>-
- 40- <http://www.shafaqna.com> -
- 41- <http://www.jc313.ir> -
- 42- <http://www.avapress.com> -